

به نام خدا

**بررسی تحلیلی داوری در مالکیت
فکری و مقایسه آن با قانون داوری
تجاری بین‌المللی ایران با نگرشی بر
قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی**

مؤلف:

ابوالقاسم صاحبی

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

تقدیم به:

خانواده عزیزم

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و
مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه درخت پر
بار وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ
گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش
تلاش نمایم. والدینی که بودنشان تاج افتخاری
است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم چرا که
این دو وجود پس از پروردگار مایه هستی‌ام بوده‌اند
دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی

پراز فراز و نشیب آموختند. آموزگارانى كه برايم
زندگى؛ بودن و انسان بودن را معنا كردند حال اين
برگ سبزى است تحفه درویش تقدیم آنان.

فهرست مطالب

مقدمه ۱۷

فصل اول: ۲۷

کلیات ۲۷

مبحث اول: مفاهیم ۲۷

گفتار اول: مفهوم مالکیت فکری ۲۸

بند اول: مالکیت ادبی و هنری ۵۳

بند دوم: مالکیت صنعتی ۵۹

گفتار دوم: مفهوم داوری ۶۵

بند اول: مفهوم لغوی داوری ۶۷

بند دوم: مفهوم اصطلاحی داوری ۶۹

بند سوم: انواع داوری ۷۵

الف: داوری موردی ۷۸

ب: داوری سازمانی ۸۱

بند چهارم: علل مراجعه به داوری ۸۷

الف: رعایت تخصص ۸۸

ب: سرعت و کارآیی ۹۱

ج: بی طرفی ۹۳

د: تکمیل یا تعدیل قرارداد ۹۷

ه: محرمانه بودن ۹۷

و: کم هزینه بودن ۹۸

مبحث دوم: تاریخچه واپو و قلمرو فعالیت آن

۱۰۰

گفتار اول: سابقه تاریخی شکل گیری واپو ۱۰۰

گفتار دوم: قلمرو فعالیت واپو ۱۱۴

بند اول: داوری و قوانین میانجی گری واپو ۱۱۹

بند دوم: خدمات داوری و میانجی گری ۱۲۲

گفتار سوم: حدود صلاحیت وایپو و طرفین

اختلاف در داوری های وایپو ۱۲۶

بند اول: حدود صلاحیت وایپو ۱۲۷

بند دوم: طرفین اختلاف در داوری های وایپو ۱۳۱

مبحث سوم: حمایت از مالکیت های فکری در

سطح داخلی ۱۳۳

گفتار اول: وضع قوانین و مقررات در حمایت از

مالکیت های فکری در حقوق ایران ۱۳۳

بند اول: شرایط حمایت از اثر ۱۳۵

بند دوم: مدت حمایت ۱۴۹

گفتار دوم: پیوستن به کنوانسیون های بین المللی

در زمینه حمایت از حقوق مالکیت های فکری ۱۵۲

مبحث چهارم: اهداف و قوانین حاکم بر اتاق

بازرگانی بین المللی ۱۵۵

گفتار اول: قوانین شکلی و ماهوی حاکم بر

داوری اتاق بازرگانی بین المللی ۱۶۵

گفتار دوم: اهداف اتاق بازرگانی بین‌المللی ۱۶۹

فصل دوم: ۱۷۳

مقایسه ویژگی‌ها و اصول حاکم بر داوری در وایپو و داوری تجاری بین‌الملل ایران در حوزه مالکیت فکری ۱۷۳

مبحث اول: مقایسه ویژگی‌های داوری در وایپو
و داوری تجاری بین‌الملل ایران در حوزه مالکیت
فکری ۱۷۴

گفتار اول: امکان ارجاع به آیین‌های مختلف
داوری در مقررات وایپو ۱۷۴

بند اول: داوری تحت قواعد داوری سازمان جهانی
مالکیت فکری ۱۷۵

بند دوم: داوری سریع تحت قواعد سریع سازمان جهانی
مالکیت فکری ۱۷۸

بند سوم: داوری تحت قواعد آنسیترال در وایپو ۱۸۱

گفتار دوم: امکان ارجاع به آیین‌های مختلف

داوری در قانون داورى تجارى بين المللى ايران ۱۸۵

بند اول: آزادى انتخاب طرف قرارداد داوری ۱۹۲

بند دوم: آزادى انتخاب نوع قرارداد داوری و نهاد

داوری ۱۹۳

بند سوم: آزادى انتخاب شرایط و آثار قرارداد داوری

۱۹۵

مبحث دوم: نهادى بودن داوری در واپو در

مقایسه با قانون داوری تجارى بين المللى ايران ۱۹۶

گفتار اول: ویژگی‌های داوری نهادى ۱۹۷

بند اول: سازمان‌های داوری بازرگانى بين المللى با

صلاحیت عام ۲۰۲

بند دوم: سازمان‌های داوری بازرگانى بين المللى با

صلاحیت خاص ۲۱۰

بند سوم: سازمان‌های داوری بازرگانى منطقه‌ای عام

۲۱۱

گفتار دوم: داوری نهادى در واپو و ايران ۲۱۲

مبحث سوم: اصول حاکم بر داوری در واپو و
داوری تجاری بین الملل ایران در حوزه مالکیت
فکری ۲۱۴

گفتار اول: توجه به اصل محرمانگی در واپو و

قانون داوری تجاری بین المللی ایران ۲۱۵

بند اول: اهمیت اصل محرمانگی در داوری های تجاری

۲۱۶

بند دوم: مقایسه میزان توجه به اصل محرمانگی در

واپو و قانون داوری تجاری بین المللی ایران ۲۱۹

گفتار دوم: توجه به اصل سرعت در واپو و قانون

داوری تجاری بین المللی ایران ۲۳۱

بند اول: اهمیت اصل سرعت در داوری های تجاری

۲۳۲

بند دوم: مقایسه میزان توجه به اصل سرعت در واپو و

قانون داوری تجاری بین المللی ایران ۲۳۹

گفتار سوم: توجه به اصل مساوات در رفتار با

طرفین توسط داور ۲۴۴

گفتار چهارم: توجه به اصل ترافیکی بودن

رسیدگی داوری ۲۴۶

بند اول: مفهوم رسیدگی ترافیکی ۲۴۷

بند دوم: ارکان رسیدگی ترافیکی ۲۴۹

الف: ابلاغ مناسب ۲۵۰

ب: اعطای فرصت دفاع ۲۵۲

فصل سوم: ۲۵۸

امکان صدور دستور موقت، امکان

تجدیدنظر از رأی و اجرای آن در داوری

وایپو و داوری تجاری ایران ۲۵۸

مبحث اول: امکان صدور دستور موقت، امکان

اعتراض به رأی ۲۵۹

گفتار اول: امکان صدور دستور موقت در داوری

وایپو و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ۲۵۹

بند اول: امکان صدور دستور موقت در مقررات وایپو

بند دوم: امکان صدور دستور موقت در قانون داوری

تجاری بین‌المللی ایران ۲۶۵

گفتار دوم: امکان تجدیدنظر از رأی در داوری

وایپو و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ۲۷۴

بند اول: امکان تجدیدنظر از رأی در مقررات وایپو

۲۷۵

بند دوم: امکان اعتراض و تجدیدنظر از رأی در قانون

داوری تجاری بین‌المللی ایران ۲۸۷

الف: دادگاه صالح رسیدگی طبق مقررات قانون

داوری تجاری بین‌المللی ایران ۲۸۸

ب: دادگاه صالح رسیدگی به دعوی ابطال رأی

داور طبق مقررات اتاق ایران ۲۹۲

۱. در خصوص اختلافات تجاری داخلی ارجاع شده به اتاق

بازرگانی ۲۹۳

۲. در خصوص اختلافات تجاری بین‌المللی ارجاع شده به

مرکز داوری اتاق ایران ۲۹۴

مبحث دوم: اجرای آرا در مقررات واپو و قانون

داوری تجاری بین‌المللی ایران ۲۹۶

گفتار اول: اجرای آرا در مقررات واپو ۲۹۶

بند اول: تفاوت شناسایی و اجرا ۲۹۷

بند دوم: انواع آراء قابل اجرا ۳۱۵

الف: رأی نهایی ۳۱۵

ب: رأی جزئی ۳۲۳

ج: رأی سازشی ۳۲۵

د: رأی اجرایی یا رأی اعلامی ۳۲۸

ه: رأی دیوان داوری راجع به صلاحیت خود

۳۳۰

گفتار دوم: اجرای آرا در قانون داوری تجاری

بین‌المللی ایران ۳۳۴

بند اول: مرجع تقاضای اجرای حکم ۳۳۴

بند دوم: کنترل حکم ۳۳۷

بند سوم: تجدیدنظر در تصمیم دادگاه ۳۴۳

گفتار سوم: اجرای رأی داور در حقوق مالکیت

فکری ایران ۳۴۶

بند اول: ضمانت اجرای عدم اجرای اختیاری رأی داور

۳۴۸

بند دوم: توقف اجرای رأی داور ۳۵۴

فصل چهارم: ۳۵۷

قواعد داوری در اتاق بازرگانی

بین المللی ۳۵۷

مبحث اول: جایگاه اصول دادرسی در داوری

اتاق بازرگانی بین المللی ۳۵۷

گفتار اول: نظریه اعراض مطلق ۳۶۲

گفتار دوم: نظریه نمایندگی ۳۶۴

گفتار سوم: نظریه تفکیک بین داوری اختیاری و

اجباری ۳۶۶

گفتار چهارم: نقش فعال یا منفعل داور در

جریان رسیدگی و اداره ادله ۳۷۰

بند اول: تحلیل عوامل مؤثر در نقش داور ۳۷۱

الف: توافق طرفین ۳۷۴

ب: قوانین ملی ۳۷۶

ج: قواعد داوری سازمانی یا موردی ۳۸۰

بند دوم: نقش داور ۳۸۴

مبحث دوم: داوری در اتاق بازرگانی بین‌المللی

۳۸۵

گفتار اول: ویژگی‌های داوری در اتاق بازرگانی

بین‌المللی ۳۸۸

بند اول: استقلال داور و بی‌طرفی وی ۳۹۱

الف: استقلال داور ۴۰۷

ب: بی‌طرفی داور ۴۰۸

ج: تفاوت استقلال و بی‌طرفی ۴۱۳

بند دوم: مساوات در رفتار داور با طرفین ۴۱۶

گفتار دوم: استماع استدلال‌های طرفین توسط

داور در اتاق بازرگانی بین‌المللی ۴۱۹

گفتار سوم: روند داوری در اتاق بازرگانی

بین‌المللی ۴۲۷

گفتار چهارم: اصل تناظر در رسیدگی به ادعاها

در جریان داوری دیوان بازرگانی بین‌المللی ۴۳۳

بند اول: اصل تناظر در شیوه رسیدگی به ادعاها ۴۳۶

بند دوم: اصل تناظر در رسیدگی به موضوعات مقدماتی

۴۴۰

بند سوم: اصل تناظر در شروع رسیدگی ماهوی و تبادل

لوايح ديوان بازرگانی ۴۴۲

بند چهارم: اصل تناظر در دیوان و جلسه استماع ۴۴۵

بند پنجم: استفاده از نماینده یا وکیل ۴۴۹

بند ششم: ختم رسیدگی ۴۵۳

بند هفتم: صدور رأی در دیوان دادگستری ۴۵۶

بند هشتم: ابلاغ رأی ۴۵۹

بند نهم: اصلاح و تفسیر رأی ۴۶۰

مبحث سوم: مقایسه اصل تناظر در داوری داخلی

و مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی ۴۶۳

گفتار اول: مقایسه اصل بی طرفی و تناظر در

داوری داخلی و بین المللی ۴۶۴

گفتار دوم: مقایسه اصل ابلاغ به موقع و تناظر در

داوری داخلی و بین المللی ۴۷۴

گفتار سوم: مقایسه اصل رعایت حق دفاع و تناظر

در داوری داخلی و بین المللی ۴۸۳

فهرست منابع ۴۸۷

مقدمه

امروزه قضاوت و داوری به عنوان مهم‌ترین روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز خصومات، شناخته و معرفی شده‌اند و به ویژه روش داوری به دلیل دارا بودن برخی امتیازات از جمله صرف وقت و هزینه کمتر و ابتناء بر موافقت طرفین در تدوین آئین دادرسی، با استقبال بیشتری روبه‌رو شده و این مطلب، نه تنها در محیط داخلی کشورها بلکه در فضای بین‌المللی نیز امری پذیرفته شده است. همان گونه که مسئولان قضایی کشور ما نیز به ویژه در دهه‌های اخیر کوشیده‌اند با توجه خاص به

امر داوری و خصوصی سازی قضاوت، ضمن کاستن تشریفات اداری با صرف وقت و انرژی کمتر و نتایج قابل قبول تر به حل و فصل خصومات بپردازند. در همین راستا شاهد تصویب مقررات و کنوانسیون های بین المللی و ایجاد مراکز داوری هستیم. یکی از این مراکز که به طور تخصصی به ارائه خدمات در زمینه حل و فصل اختلافات ناشی از داوری می پردازد، مرکز داوری سازمان جهانی مالکیت فکری می باشد. بر این اساس، چالش اصلی این کتاب عبارت است از بررسی مقررات داوری در مرکز حل و فصل اختلافات سازمان جهانی مالکیت فکری و بررسی شباهت ها و تفاوت های آن با مقررات داوری ایران.

بروز اختلاف در معاملات و قراردادهای تجاری اعم از داخلی و بین‌المللی امری طبیعی است، اما مطلوب نیست، زیرا برای هر دو طرف مشکلات فراوانی را به بار می‌آورد و اگر به محاکم دادگستری کشیده شود، ممکن است این مشکلات دوچندان شود.

طرفین یک اختلاف تجاری ساده که به محاکم دادگستری داخلی ارجاع شده است، اولاً، به دلیل طولانی بودن رسیدگی در دادگاه‌ها و چندمرحله‌ای بودن رسیدگی قضایی (مرحله بدوی، مرحله تجدیدنظر، مرحله فرجام و احیاناً اعاده دادرسی) مدت‌ها معطل می‌شوند تا حکم قطعی صادر شود؛ ثانیاً، چون رسیدگی در محاکم

دادگستری جنبه تشریفاتی دارد، حداقل در جریان
اخطاریه‌ها و ابلاغ‌های رسمی اوراق پرونده، چه بسا
اسرار تجاری طرفی که حکم علیه او صادر شده،
مخدوش گردد و بدین جهت سابقه نامطلوبی از
محکومیت او به جای می‌ماند؛ ثالثاً، حتی اگر
طرفین بتوانند برای این دشواری‌هایی که
برشمردیم، راهی پیدا کنند که آنها را قابل
تحمل‌تر کند، یک دشواری دیگر وجود دارد که
از کنترل طرفین خارج است و ناگزیرند آن را
بپذیرند: محاکم دادگستری اغلب اطلاع کافی و
لازم در مورد برخی مسایل تجاری یا قراردادهای
اقتصادی، به‌ویژه مسایل تجاری بین‌المللی پیچیده
ندارند، زیرا در همه جای دنیا قضات محاکم
داخلی برای حل و فصل دعاوی معمولی مردم تربیت

شده‌اند، و از ایشان انتظاری نیست که برای رسیدگی به انواع دعاوی تجاری پیچیده که ممکن است به ندرت به آنها ارجاع شود مهارت داشته باشند، سازمان‌های داوری داخلی، بین‌المللی و به ویژه اتاق بازرگانی بین‌المللی مهم‌ترین و بزرگترین سازمان داوری در سطح جهان به شمار می‌رود، این سازمان نقش قابل توجهی در رفع اختلافات بین‌المللی دارد.^۱

داوری یکی از روش‌هایی است که هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل برای حل و فصل اختلافات مورد استفاده قرار می‌گیرد در تجارت

۱- نقیبه، سید حسین، داوری نامه، تهران، نشر مرکز
داوری اتاق ایران، ۱۳۸۳، ص ۱۷.

بین‌الملل هم طرفین طبق موافقت‌نامه داوری و یا شرط داوری اختلاف خود را از طریق داوری حل‌وفصل می‌کنند برای این‌که رسیدگی داورها عادلانه و منصفانه باشد یک‌سری اصول در دادرسی وجود دارد که داورها می‌توانند با تبعیت از این اصول رسیدگی منصفانه‌ای را انجام دهند اصولی مانند اصل بی‌طرفی، استقلال، انصاف و ... که بعضاً در خصوص عدم رعایت این اصول ضمانت‌اجراهایی نیز تعیین شده است به عنوان مثال در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران عدم رعایت اصل بی‌طرفی باعث بطلان رأی داور خواهد شد^۱.

۱- گنجی پور، مرتضی، رعایت اصول عادلانه دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی، مجله اندیشمندان حقوق، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۲، ص ۸۹.

از آن جایی که داوری از مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات در دعاوی می‌باشد و امروزه به دلیل تخصصی شدن روابط تجاری و الکترونیکی شدن آن به سمت یک موضوع حقوقی پیچیده رشد کرده است. افزایش ارتباطات و معاملات تجاری فی‌مابین اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی از کشورهای مختلف موجب تحولاتی گسترده و عمیق در نظام حقوق تجارت بین‌المللی گردیده است، در پی توسعه روابط تجاری بروز اختلافات ناشی از این معاملات تجاری هم گسترش یافته است، این کتاب می‌تواند به شناخت ابعاد مختلف آن کمک کرده و در نتیجه پاسخ به ابهامات موجود در زمینه داوری مؤثر باشد و در جهت رسیدن به این هدف، مطالعه و بررسی قانون

داوری تجاری بین‌المللی ایران، قانون انسیترا^۱ و مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری حتی‌المقدور لحاظ خواهد شد.

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۱ مهم‌ترین نظام داوری تجاری بین‌المللی در دوران معاصر است و همواره در عرصه داوری بین‌المللی پیشتاز و اثرگذار بوده و نقش مهمی در ترویج و توسعه اسلوب داوری در حل‌وفصل اختلافات تجاری بین‌المللی داشته است. هم قواعد داوری اتاق و هم آراء داوری که در چارچوب داوری‌های اتاق صادر می‌شود، از مهم‌ترین منابع حقوقی در زمینه داوری

۱- International Chamber of Commerce (ICC).

بین‌المللی است و از عوامل شکل‌دهنده و سازنده رویه داوری بین‌المللی به شمار می‌رود^۱.

از آن‌جا که امروزه بسیاری از اختلافات مخصوصاً در سطح بین‌المللی به داوری ارجاع می‌شود؛ شناخت ابعاد داوری و شرایط شکلی و ماهوی حاکم بر آنها لازم و ضروری است. علاوه بر این ضروری است که اصول حاکم بر دادرسی در داوری و به ویژه اصل تناظر در حد بضاعت نگارنده مورد بررسی قرار گیرد.

۱- محبی، محسن، نظام داوری در اتاق بازرگانی بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۴، بهار ۱۳۷۸، ص ۲۹.

ما در این کتاب به دنبال مقایسه تحلیلی مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری با قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و مقررات اتاق بازرگانی بوده و در این راستا با بررسی قوانین و مقررات داوری تلاش می‌کنیم که با مقایسه این سه مقوله به صورت تحلیلی به سمت افزایش کارایی قوانین داخلی سوق پیدا کنیم. بر این اساس به نظر می‌رسد بتوان با انجام چنین تحقیقاتی و بررسی عملکرد و آثار قوانین حاکم بر داوری، تعارض قوانین در داوری... و بایدها و نبایدهای آن در جهت کارایی و مفید بودن هر چه بیشتر قوانین حاکم بر داوری گام برداشت.

فصل اول:

کلیات

مبحث اول: مفاهیم

در این مبحث به بررسی مفاهیم مرتبط با موضوع خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفهوم مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری برحسب طبیعت پویای خود و نیز به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با جهانی شدن و تجارت برقرار کرده است، یکی از پرتحول‌ترین حوزه‌های حقوقی و اقتصادی در عصر کنونی به شمار می‌آید. اهمیت این موضوع از آن‌جا آشکار می‌گردد که امروزه یکی از عمده‌ترین حوزه‌های مناقشه‌انگیز میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، مقوله حمایت یا عدم حمایت از محصولات فکری و گستره آن می‌باشد. از یک‌سو، کشورهای توسعه یافته با تأکید بر لزوم حمایت از این حقوق، تقویت حمایت را موجب افزایش توسعه و تسهیل انتقال فناوری به

کشورهای در حال توسعه می دانند و از سوی دیگر کشورهای جهان سوم با این استدلال که مالکیت فکری باید وسیله ای برای تحقق توسعه باشد نه هدف، خواستار تعدیل گستره حقوق مزبور و انحصارات ناشی از آن شده اند.^۱

هدف حقوق مالکیت فکری حمایت از پدیدآورندگان کالاهای فکری از طریق اعطای حقوقی مخصوص و مقید به زمان به آنان است. این حقوق نه بر محمل اثر یعنی شیء فیزیکی که آفرینش فکری در آن ملحوظ است، بلکه بر خود اثر فکری اعمال می شود. منظور از اثر فکری نیز نه

۱- حبیبیا، سعید، چالش های جدید حقوق مالکیت

فکری، مجله مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴، زمستان

ایده و اندیشه صرف، بلکه بیان و نمود عینی آنهاست.

ظاهراً نخستین چیزی که موضوع مالکیت فکری قرار گرفت، اثر مکتوب بود. از آن زمان به بعد با تحولات گوناگونی که هم در عرصه‌ی علم و تکنولوژی و هم در حوزه مباحث حقوقی پدید آمده، گستره‌ی مالکیت فکری بسیار وسیع‌تر گردیده است.

در واقع روند گسترش همیشگی حوزه‌ی موضوعات مالکیت فکری را بایستی یکی از ویژگی‌های برجسته آن دانست. قرن بیستم شاهد افزوده شدن پی‌درپی موضوعات جدید به حوزه‌ی مالکیت فکری بوده است. چنان‌که حمایت از نرم

افزارهای کامپیوتری به عنوان آثار ادبی (کپی‌رایت) یا قابلیت ثبت میکرو ارگانیزم‌ها به عنوان اختراع را می‌توان مانند نمونه‌هایی از گسترش حوزه‌ی مالکیت فکری نام برد. این روند گسترش آن چنان پیوسته و بی‌وقفه ادامه دارد که بعضی از حقوق‌دانان آن را صفت طبیعی مالکیت فکری می‌دانند که هیچ نشانه‌ای از توقف نیز در آن دیده نمی‌شود. مثالی روشن از این ویژگی باقی ماندن موضوع حمایت حقوقی از بانک‌های اطلاعاتی (پایگاه داده‌ها) در دستور کار سازمان جهانی مالکیت فکری است.

برای درک بهتر روند گسترش مالکیت فکری در جهان امروز به طرح دو مثال می‌پردازیم:

مثال نخست: در دعوایی که در سال ۱۹۸۷ میان دو رستوران زنجیره‌ای آمریکایی مطرح گردید، رستوران تاکوکابانا مدعی شد که رستوران زنجیره‌ای رقیبش به نام دوپزو از دکوراسیون داخلی این رستوران تقلید کرده است. این دعوی که پنج سال به طول انجامید نهایتاً به سود خواهان یعنی رستوران تاکوکابانا پایان یافت و رستوران دوپزو به پرداخت چندین میلیون دلار غرامت به تاکوکابانا و نیز تغییر دکوراسیون داخلی‌اش محکوم شد.

مثال دوم: برخی از حقوق‌دانان و وکلای آمریکایی متخصص در مالکیت فکری این بحث را در انداخته‌اند که مانورهای ورزشی هم باید از نقطه

نظر مالکیت فکری تحت حمایت قرار گیرد. به نظر ایشان این‌گونه مانورها مانند روش‌هایی که موجب پرش بالاتر قایق‌های بادبانی یا باعث حرکت سریع‌تر در ورزش اسکی می‌شود می‌تواند در چارچوب قانون اختراعات فدرال به عنوان یک فرآیند سودمند دسته‌بندی شود و مورد حمایت قرار گیرد.

بدین ترتیب این حوزه همچنان روبه گسترش می‌باشد و مرزهای کنونی آن الزاماً پایدار نخواهد ماند. با این حال برای شناخت مالکیت فکری چاره‌ای جز اکتفا به حدودی که امروزه به طور عام مورد پذیرش قرار گرفته نداریم.

امروزه حمایت از ابداعات و اختراعات از طریق حقوق مالکیت صنعتی و سیستم ثبت و اعطای حق انحصاری به مخترع در توسعه اقتصاد، صنعت، تجارت و رفاه و سلامت اجتماعی جوامع اهمیت زیادی یافته است.^۱

چنان که می‌دانیم مالکیت فکری به طور سنتی به دو شاخه مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی-هنری (کپی‌رایت) تقسیم می‌شود. بند هشتم از ماده ۲ کنوانسیون سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپر) مالکیت فکری را شامل موارد زیر می‌داند:

- آثار ادبی، هنری و علمی

۱- شیخی، مریم، چالش‌های حقوق مالکیت فکری در حوزه سلامت، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، بهار ۱۳۸۵،

- اجرای نمایش توسط هنرمندان
بازیگر، فونوگرام‌ها، و بخش‌های رادیو-
تلویزیونی

- اختراعات در تمام حوزه‌های
کوشش بشری

- اکتشافات علمی

- طرح‌های صنعتی

- علائم تجاری، علائم خدماتی،

نام‌ها و عنوان‌های تجاری

- حمایت علیه رقابت غیرمنصفانه

- تمامی حقوق دیگری که از

فعالیت‌های فکری در حوزه‌های صنعتی،

علمی، ادبی یا هنری ناشی می‌شوند.

در موافقت‌نامه‌ی تریپس، موضوعات مالکیت فکری با مقداری تفاوت نسبت به معاهده‌ی فوق‌الذکر مشخص شده است. مطابق بند ۲ ماده‌ی ۱ موافقت‌نامه مزبور که ناظر است بر بخش‌های ۱ تا ۷ از قسمت دوم آن، مصادیق مالکیت فکری مورد نظر در این موافقت‌نامه عبارتند از: مالکیت ادبی و هنری (کپی‌رایت) و حقوق جانبی، علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اختراعات، طرح‌های جانمایی مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشا نشده.

بدین ترتیب مصادیقی مانند نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های جانمایی مدارهای یکپارچه و اطلاعات محرمانه که در تریپس مورد تصریح قرار

گرفته‌اند، در کنوانسیون تأسیس وایپو تصریح نشده‌اند، و متقابلاً حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه در تریپس به عنوان مصداقی از مالکیت فکری نیامده است.^۱

در کتاب راهنمای وایپو مالکیت فکری چنین تعریف شده است:

«مالکیت فکری در معنای وسیع آن عبارت است از حقوق قانونی ناشی از فعالیت‌های فکری در حوزه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری».

۱- البته در ماده ۳۹ موافقت‌نامه‌ی تریپس که به موضوع حمایت از اطلاعات افشا نشده اختصاص دارد، حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه به نحوی که در ماده‌ی ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس بیان شده، بنای حمایت از اطلاعات افشا نشده تلقی شده است.

این تعریف چیز زیادی را روشن نمی‌کند و در عین حال فاقد جامعیت و مانعیت است. از فعالیت‌های فکری، حقوق قانونی گوناگونی حاصل می‌شود که الزاماً در دایره‌ی مالکیت فکری قرار ندارند. به عنوان مثال کسی که در چارچوب رابطه‌ی استخدامی برای یک کار لزوماً کار فکری می‌کند، از نظر مادی تنها استحقاق دستمزد مقرر را دارد و حقوق مالکیت فکری به او تعلق ندارد. در حالی که می‌دانیم حق دریافت دستمزد را نمی‌توان مالکیت فکری دانست.^۱

۱- بند (ه) ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (مصوب ۱۳۸۶): در صورتی که اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد باشد، حقوق مادی آن متعلق به کارفرما خواهد بود، مگر آن که خلاف آن در قرارداد شرط شده باشد.

اشکال دیگر وارد بر این تعریف آن است که برخلاف آن چه از مفاد تعریف مزبور برمی‌آید همه‌ی اموال فکری حاصل فعالیت‌های فکری نیستند. به عنوان مثالی بارز می‌توان از علائم تجاری نام برد که در واقع ارزش خود را از فعالیت‌های تجاری دارنده‌ی علامت کسب می‌کنند نه از فعالیت‌های الزاماً فکری او یا از فعالیت فکری طراح علامت. بنابراین تعریف یاد شده از این جهت نیز فاقد جامعیت است.

بعضی از حقوق‌دان‌ها در تعریف مالکیت فکری گفته‌اند:

مالکیت‌های فکری یا معنوی حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی و دادوستد است ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست.^۱

این تعریف بیشتر توصیف مالکیت فکری و بیان صفت با ارزش بودن آن و غیرمادی بودن موضوع آن است و از ویژگی‌های لازم برای تعریف یک مفهوم برخوردار نیست. در حالی که هیچ‌کس این را در شمار حقوق مالکیت فکری قرار نمی‌دهد.

در تعریف دیگری که از مالکیت فکری گفته شده:

۱- صفایی، سیدحسین، سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۲۷

حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع
انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را
می‌دهد.^۱

این تعریف هم علاوه بر آن که منشأ مالکیت
فکری را بیان نمی‌کند، دارای دقت لازم در میان
موضوع مالکیت فکری نیست. موضوع مالکیت
فکری «محصول فعالیت و فکر و ابتکار» انسان
یعنی اثر فکری است، نه خود فعالیت و فکر و
ابتکار بعضی دیگر از حقوق دانان مالکیت فکری را
به «حق انتفاع از اطلاعات» تعریف نموده‌اند. به
نظر ایشان اطلاعات با «منبع اصلی» ثروت را در

۱- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران، نشر دادگستر،

زندگی اقتصادی مدرن تشکیل می‌دهد. حتی در صنعتی غیراطلاعاتی همچون کشاورزی نیز کنترل و مالکیت بر اطلاعات ژنتیکی عامل مهمی در شکل‌دهی ساختار این صفت است.

بر این تعریف نیز ایرادات متعددی وارد است. یکی از اشکالات مهم تعریف یاد شده این است که «اطلاعات» را موضوع مالکیت فکری می‌داند. در حالی که موضوع همه شاخه‌های مالکیت فکری اطلاعات نیست. بسیاری از آثار هنری و حتمی ادبی دربردارنده اطلاعات به معنای دقیق کلمه نیستند. همچنین به عنوان مثال علائم تجاری را نیز نمی‌توان در شمار اطلاعات قرار داد. از سوی دیگر حق انتفاع و بهره‌کشی، واجد معنایی کلی

است که در برخی از موارد به مالک اثر فکری محدود نمی‌شود. به عنوان مثال وقتی کسی کتابی می‌خرد با مطالعه آن از محتوای کتاب بهره‌مند و منتفع می‌شود یا کسی که محصولی را خریداری می‌کند، اما هیچ‌کدام از این موارد را نمی‌توان از مصادیق مالکیت فکری دانست. در واقع در تعریف مالکیت فکری باید به منشأ این حق که پدید آوردن اثر است نیز اشاره شود تا چنین مواردی از شمول آن خارج گردد. ایراد دیگر وارد بر این تعریف آن است که انحصاری بودن استفاده از اثر فکری را مورد توجه قرار نداده است. بدین ترتیب یکی از ارکان اصلی مالکیت فکری در این تعریف نادیده گرفته شده است. در واقع این حق انحصاری است که به مالکیت فکری معنا می‌بخشد، چرا که

بدون امکان نفع دیگران، مالکیت بر اثر فکری مفهومی نخواهد داشت. به عنوان مثال بهره‌مندی از یک اثر فکری اعم از اختراع یا تألیف پس از اتمام دوره‌ی حمایت نیز دقیقاً شمول تعریف مذکور است، در حالی که پس از پایان دوره حمایت، دیگر مالکیت فکری منتفی است.

واژگان «مالکیت فکری» واژگانی نسبتاً جدید است. بررسی برخی از محققان نشان‌گر آن است که این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ در «کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری» به عنوان اصطلاحی عام برای اشاره به حوزه‌های مالکیت ادبی- هنری و مالکیت صنعتی به کار رفته است. با این حال قدمت کاربرد این واژه

دست کم به یکصد و پنجاه سال می‌رسد. اگرچه تا پیش از انعقاد کنوانسیون وایپو این اصطلاح، هم از لحاظ عمومیت استفاده و هم از جهت گستردگی موضوعی، چندان قابل اعتنا نبوده است.

در قوانین ایران واژه‌ی «مالکیت فکری» سابقه‌ای چندان طولانی ندارد و نخستین کاربرد آن در قوانین، به قانون «تجارت الکترونیکی» باز می‌گردد که در تاریخ هفدهم دی ماه ۱۳۸۲ به تصویب رسید و در ماده‌ی ۶۲ آن از واژه‌ی «حقوق مالکیت فکری» استفاده شد. ترجمه‌ی دیگر واژه‌ی Intellectual Property در زبان فارسی، «مالکیت معنوی» است، که کاربرد آن در قوانین قدمت و گستردگی بیشتری دارد.

عبارت «مالکیت معنوی» نخستین بار در «قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن» مصوب ۱۳۵۵ به کار رفت و بعد از آن در قوانین گوناگون به کار گرفته شد. مهم‌ترین آن ماده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی» مصوب ۱۳۸۰ و «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم، پروتکل مربوط به آن مصوب ۱۳۸۲ است.

به نظر برخی از حقوق‌دانان عامل مهمی که شاخه‌های اصلی مالکیت فکری را پیچیده‌تر و بنابراین ارائه تعریفی از آن را دشوارتر می‌کند این

است که رژیم‌های مالکیت فکری محصول مکاتب فلسفی و سنت‌های حقوقی گوناگون‌اند. به عنوان مثال واژه‌ی حق تکثیر یا کپی‌رایت مربوط به نظام‌های کامن‌لویی است که حقوق مؤلفان را با به کار بردن واژگانی اقتصادی هم‌چون حق بازنشر اثر یا حق انتشار اثر و مانند آن توصیف می‌کنند. اما در نظام‌های حقوق نوشته (حقوق مدنی) بنیان حقوق مؤلف در حمایت از شخصیت او پی‌ریزی می‌شود. در این نظام‌ها حق به رسمیت شناخته شدن به عنوان خالق اثر و حق کنترل تغییر و بازنگری در اثر حقوق محوری و بنیاد این مؤلف را تشکیل می‌دهند. از همین رو از نقطه نظر حقوق مالکیت فکری نظام کامن‌لو به نظام کپی‌رایت و نظام حقوقی مدنی به نظام مؤلف نام بردارند.

با این حال نباید در تفاوت میان حقوق مالکیت فکری در نظام‌های مختلف اغراق کرد. زیرا از یک سو تأثیر عوامل یاد شده در شکل‌گیری نظام مالکیت فکری آن‌چنان نیست که موجب شود مفاد و احکام آن در نظام‌های مختلف همچون کامن‌لو و حقوق نوشته تفاوت اساسی داشته باشد.

موضوعات و احکام مالکیت فکری بیش از آن که متأثر از فلسفه و سنت‌های گوناگون حقوقی باشد، از نیازهای واقعی و تا حد زیادی همسان جوامع گوناگون برخاسته است. از سوی دیگر در عصر جهانی شدن مالکیت فکری چنین تفاوت‌هایی بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است.

به هر روی چنان‌که برخی از محققان بیان داشته‌اند اصطلاح مالکیت فکری برای ارجاع به گروهی از رژیم‌های حقوقی استفاده می‌شود که هر یک از آنها درجه متفاوتی از حقوق مالکانه نسبت به موضوعاتی خاص را مقرر می‌کنند.

بنابراین و با توجه به آنچه در نقد تعریف‌های گوناگون بیان شد، و نیز با توجه به این نکته مهم که تعریف مالکیت فکری باید متضمن دو عنصر اصلی یعنی عنصر حق و عنصر شیء موضوع حق باشد. در تعریف آن می‌توان گفت:

مالکیت فکری عبارت است از حق ناشی از پدید آوردن یک آفریده‌ی فکری یا یک شیء غیرمادی مستقل دیگر، که به موجب آن شخصی که خودش

یا از طریق به کارگیری دیگری موجب خلق آن شده یا شخصی که این حق به او منتقل شده، می‌توانند به طور انحصاری از بالاترین حقوق و اختیارات قانونی ممکن نسبت به آن بهره‌مند شوند. این تعریف در عین جامعیت و مانعیت از اشکالاتی که در تعریف‌های دیگر وجود دارد و به آنها اشاره نشده تا حد زیادی به دور است و می‌توان مبنای مناسبی برای ورود به بحث مفهوم مالکیت فکری باشد. ویژگی‌های تعریف مزبور را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- در این تعریف با اشاره به حق ناشی از پدید آوردن، در واقع منشأ حق مورد توجه قرار گرفته است.